



حقیقت گاهی مواقع با تعامل عقل و نقل حاصل می‌شود

رئیس پژوهشگاه قرآن و حدیث گفت: نکته مهم در اخلاق این است که بسیاری از وظایف ما ترکیبی از عقل و نقل است و حقیقت در بسیاری از مواقع با تعامل عقل و نقل به دست می‌آید.

رئیس پژوهشگاه قرآن و حدیث گفت: نکته مهم در اخلاق این است که بسیاری از وظایف ما ترکیبی از عقل و نقل است و حقیقت در بسیاری از مواقع با تعامل عقل و نقل به دست می‌آید.

به گزارش خبرنگار ایکن، نشست علمی «نقش و جایگاه حدیث در دانش اخلاق» از سلسله نشست‌های علمی پژوهشگاه قرآن و حدیث با مشارکت معاونت پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و مجمع پژوهشگاه‌های علوم انسانی و اسلامی، امروز دوشنبه ۲۲ آذرماه برگزار شد.

حجت الاسلام والمسلمین رضا برنجکار، رئیس پژوهشگاه قرآن و حدیث در این نشست سخنرانی پرداخت که گزیده سخنان وی در ادامه می‌آید؛

نقش حدیث در اخلاق، در مکاتب اخلاقی گوناگون با هم فرق دارد. البته ما می‌توانیم دیدگاه خود را بیان یا بر اساس نگاه‌های مختلف مروی داشته باشیم بر اینکه در هر مکتب چگونه می‌توان نقش حدیث را تبیین کرد؟ حدیث کارکردهای زیادی دارد که بنده به دو مورد از آنها اشاره می‌کنم که معمولاً متکلمان ما هم به این دو مورد اشاره کرده‌اند و گفته‌اند نقش حدیث یا ارشادی یا تعبدی است. در نقش ارشادی، عقل به مطلب می‌رسد اما حدیث بر آن مطلب تأکید و آن را بیان می‌کند و در کارکرد تعبدی نیز مطلب ورای عقل است و حدیث یا نقل، صرفاً مطلبی را بیان می‌کند.

کارکردهای حدیث

امیرالمؤمنین (ع) در خطبه اول نهج البلاغه تعبیر اثره را برای نقل یا حدیث بیان می‌کنند. در اشاره حتماً لازم نیست که عقل به مطلبی برسد و نقل آن را مورد تأکید قرار دهد اما وقتی معلم توضیح می‌دهد عقل متوجه می‌شود این مطلب درست است یعنی عقل، حقانیت آن را می‌فهمد نه اینکه عقل آن را بفهمد و نقل بر آن تأکید کند و پاداشی هم برای آن در نظر بگیرد. کارکرد دیگر حدیث، تعبدی است که اساساً ما مطلبی را نمی‌فهمیم و حدیث آن را برای ما بیان می‌کند.

به نظرم صادر کردن حکم در مورد اینکه حدیث چه جایگاهی در اخلاق دارد به این بستگی دارد که کدام نگاه در علم اخلاق را قبول داشته باشیم. تلقی امروزین از اخلاق با تلقی قدیم متفاوت است. امروزه اخلاق از خلق می‌آید اما در گذشته اخلاق به فضایل و ردایل می‌پرداخت. امروزه اخلاق کاربردی، اخلاق پزشکی، اخلاق مهندسی و ... مطرح شده است. در این نگاه اخلاق به میزان زیادی به فقه نزدیک شده است و نمی‌توان تمایز صریحی در این زمینه در نظر گرفت. در اخلاق کاربردی، نقش حدیث بسیار پررنگ است هر چند در بحث خلق و خواها هم می‌توانیم بگوییم که احادیثی داریم که حد وسط را به ما نشان می‌دهد یا کمک می‌کند حد وسط را پیدا کنیم. ارسطو هم روش‌هایی ارائه می‌دهد تا ما این حد وسط‌ها را پیدا کنیم.

چرا باید از حدیث پیروی کنیم

سؤالی که وجود دارد این است؛ چرا باید از حدیث پیروی کنیم؟ اساساً چرا باید به خدا ایمان بیاوریم؟ جواب این است که این را عقل به شما می‌گوید و روایت هم اثره می‌کند. ما معتقدیم هم وظیفه‌گرایی و هم غایت‌گرایی را قبول داریم اما غایت باید منجر به وظیفه‌گرایی شود. مجموعه دین برای این آمده که ما را به هدف برساند. در قرآن کریم نیز آمده است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ و من جنّ و انس را نیافریدم مگر برای اینکه مرا (به یکتایی) پرستش کنند» (ذاریات/ ۵۶) عبادت چیزی است که انسان با آن کمال پیدا می‌کند بنابراین حدیث و نقل هم راه‌های رسیدن به وظیفه را برای ما مشخص می‌کند.

نظریه‌ای مهم که مطرح است و در جهان اسلام اشاعره آن را قبول داشتند و امروزه در غرب بسیار مشهور است نظریه امر الهی است که ما تحت عنوان حُسن و قبح شرعی از این دیدگاه یاد می‌کنیم. این دیدگاه معتقد است که اخلاق به امر خدا مربوط است یعنی خدا می‌گوید این کار را باید انجام دهیم و ما هم انجام می‌دهیم و غیر از این امری اخلاقی نیست. در قرون وسطی کسانی همانند ویلیام اکام نیز چنین نظری دارند. اشاعره می‌گویند حُسن و قبح که اساساً اخلاقی هستند اموری واقعی نیستند. امروزه نسبی‌گرایان پیرو چنین دیدگاهی هستند و می‌گویند فعل، خوب و بد ندارد بنابراین امر اخلاقی اعتباری است و اعتبار را هم یا خدا یا انسان‌ها انجام می‌دهند. فخر رازی هم می‌گوید اگر حُسن و قبح به معنای اعتبار عقلا باشد ما آن را قبول داریم.

دیدگاهی دیگر در زمینه امر الهی وجود دارد و پیروان این دیدگاه می گویند اخلاق باید پایه واقعی داشته باشد و منشأ اخلاق هم عالم طبیعت نیست بلکه منشأ این اخلاق خداست. بنابراین نقش حدیث را به اشکال مختلف می توانیم بیان کنیم اما ما معتقدیم که افعال، خوب و بد دارند و بخشی را عقل می فهمد و بخشی را نیز نمی فهمد. نکته مهم در اخلاق این است که بسیاری از وظایف ما ترکیبی از عقل و نقل است و حقیقت در بسیاری از مواقع با تعامل عقل و نقل به دست می آید.